

هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله‌یابی تا نگارش

نویسنده:

محمدسعید ذکایی



www.ketab.ir

سرشناسه: ذکائی، محمدسعید، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور: هنر انجام پژوهش کیفی: از مسئله‌یابی تا نگارش / محمدسعید ذکائی، با همکاری محدثه امیری مقدم.
مشخصات نشر: تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶۰۰۹-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: تحقیق کیفی -- روش‌شناسی
موضوع: Qualitative research -- Methodology
شناسه‌ی افزوده: امیری مقدم، محدثه، ۱۳۶۵-
رده‌بندی کنگره: H۶۳
رده‌بندی دیویی: ۰۰۱/۴۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۷۲۶۷۷۰۴



هنر انجام پژوهش کیفی؛ از مسئله‌یابی تا نگارش

محمدسعید ذکائی

(با همکاری محدثه امیری مقدم)

چاپ یکم: تابستان ۱۳۹۹. آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگاه

ویرایش صوری: نسرين اسدی جعفری

ناظر چاپ: روح‌الله صادقی

لیتوگرافی: طاووس‌رایانه، چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین منیری‌جاوید و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰. تهران ۱۳۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۶۷۳۲۳، ۶۶۴۶۰۹۳۲

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۷۵,۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱	تقدمه
۱۱	منطق و هشتم انداز پژوهش کیفی
۱۶	مسئله‌های پژوهش کیفی در ایران
۲۰	منابع
۲۱	فصل یکم: مسئله و مسئله‌مندی از
۲۱	مقدمه
۲۲	بیان مسئله و مسئله‌مندی در ادیان
۲۹	مسئله چیست؟
۳۱	مسئله‌مندی‌سازی
۳۲	رویکردهای تحلیلی کلان در مسئله‌مندی
۳۵	سؤال پژوهش و استراتژی‌های تدوین
۳۵	استراتژی رایج در تدوین سؤالات پژوهش
۴۰	شیوه‌های جایگزین مسئله‌یابی
۴۱	استراتژی مسئله‌مندی‌سازی در بیان مسئله
۴۴	مراحل مسئله‌مندی‌سازی
۴۵	بیان مسئله
۴۶	اجزای محوری بیان مسئله
۴۷	معیارهایی برای تصمیم‌گیری در انتخاب یک مسئله
۴۹	نکات مهم فصل
۵۰	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۵۱	منابع فصل
۵۳	فصل دوم: مهارت‌های ارتباطی در پژوهش کیفی
۵۳	مقدمه

۵۵	ضرورت کسب مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی
۶۲	گونه‌ها و چارچوب‌های مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی
۶۴	ارتباطات غیرکلامی
۶۷	مدیریت برداشت
۶۹	آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در دانشگاه
۷۶	مشکلات آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی
۷۷	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۷۹	نکات مهم فصل
۸۰	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۸۰	منابع فصل
۸۳	بخش سوم: تحلیل مضمونی
۸۳	مقدمه
۸۴	پیش‌تجربین مضمونی چیست؟
۸۵	مزایای روش تحلیل مضمونی
۸۸	مضمون چیست؟
۸۸	سوالات مناسب برای تحلیل مضمونی
۸۹	شناسایی مضامین
۹۰	نام‌گذاری مضامین
۹۳	ویژگی مضامین
۹۵	انواع مضمون
۹۵	ملاحظات در طراحی تحلیل مضمون
۹۶	اجرای روش تحلیل مضمونی
۹۷	مراحل اجرای روش تحلیل مضمونی (نکات کار)
۱۰۰	تحلیل مضمون و تحلیل سند
۱۰۲	توصیه‌هایی برای نگارش تحلیل مضمونی
۱۰۲	انواع دیگر روش تحلیل مضمونی
۱۰۶	مقایسه‌ی تحلیل ماتریسی و الگویی
۱۰۷	نکات مهم فصل
۱۰۷	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۱۰۸	منابع فصل
۱۰۹	فصل چهارم: نظریه‌ی مبنایی
۱۰۹	مقدمه
۱۱۳	ویژگی‌های نظریه‌ی مبنایی
۱۱۶	چه زمانی از نظریه‌ی مبنایی استفاده کنیم
۱۲۰	سنت‌ها و رویکردها به نظریه‌ی مبنایی
۱۳۱	دست‌آورد نظریه‌ی مبنایی

۱۳۲	اجزای نظریه‌ی مبنایی
۱۳۲	یکم، نمونه‌گیری نظری: ستون نظریه‌ی مبنایی
۱۴۰	نکاتی عملی درباره‌ی نمونه‌گیری نظری
۱۴۱	ویژگی نمونه‌گیری نظری
۱۴۲	امتیازات نمونه‌گیری نظری
۱۴۳	نکات کاربردی درباره‌ی اشباع مقولات نظری
۱۴۳	دوم، حساسیت نظری
۱۴۴	توصیه‌هایی برای افزایش حساسیت نظری
۱۴۶	سوم، مقایسه‌ی دانم
۱۴۷	یادداشت تحلیلی اولیه یا ممو
۱۵۲	روش‌های تنظیم یادداشت تحلیلی اولیه
۱۵۲	اهمیت تنظیم یادداشت تحلیلی اولیه
۱۵۴	چهارم، کدگذاری و تجزیه و تحلیل
۱۵۴	نکات کدگذاری مبنایی با دیگر شیوه‌ها
۱۵۵	کدگذاری آزاد
۱۵۶	نویسندگان در، جام کدگذاری اولیه
۱۵۷	کدگذاری محوری
۱۵۸	پارادایم (مدن) کدگذاری
۱۶۲	قالب‌های دیگر: مدل - انواده‌ای کدگذاری
۱۶۲	کدگذاری انتخابی
۱۶۴	گزاره‌ها و نظریه‌سازی
۱۶۵	مسئله‌ی تعمیم و اعتبار در پژوهش مبنایی
۱۶۷	مقایسه‌ی نظریه‌ی مبنایی با دیگر اشکال تحقیقی کیفی
۱۶۸	نظریه‌ی مبنایی در برابر تحلیل مضمون
۱۷۲	نظریه‌ی مبنایی در برابر مردم‌نگاری
۱۷۲	نظریه‌ی مبنایی در برابر پدیدارشناسی
۱۷۴	معیارهای ارزیابی پژوهش مبنایی
۱۷۴	تصورات غلط از نظریه‌ی مبنایی
۱۷۹	نکات مهم فصل
۱۸۰	برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۸۱	منابع فصل

۱۸۵	فصل پنجم: روش تحلیل پدیدارشناسی
۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	پدیدارشناسی چیست؟
۱۸۹	پدیدارشناسی به منزله‌ی یک روش شناسی
۱۹۲	مکاتب پدیدارشناسی
۱۹۲	پدیدارشناسی توصیفی (استعلایی)

۱۹۴	نقاط ضعف پدیدارشناسی توصیفی
۱۹۵	پدیدارشناسی تفسیری (هرمنوتیک)
۱۹۷	اصول پدیدارشناسی تفسیری
۱۹۹	تفاوت رویکرد توصیفی و تفسیری
۱۹۹	مکتب اترخت
۲۰۱	نمونه‌گیری در پدیدارشناسی
۲۰۳	جمع‌آوری اطلاعات در پدیدارشناسی
۲۱۰	سؤالات مناسب در طراحی پژوهش پدیدارشناسی
۲۱۲	تحلیل یافته‌ها
۲۱۳	تحلیل یافته‌ها در رویکرد توصیفی
۲۱۳	روش تحلیل گنورگی
۲۱۴	مراحل روش پدیدارشناختی گنورگی
۲۱۵	روش تحلیل گنورگی
۲۱۶	روش گنورگی
۲۱۹	برخی تفاوت‌های مهم در سه رویکرد گنورگی، فن‌کام و کولیزی
۲۲۱	روش تحلیل فرنان
۲۲۳	تحلیل هرمنوتیکی
۲۲۴	شیوه‌ی تحلیل دی‌لگمن
۲۲۵	نقاط قوت پدیدارشناسی
۲۲۶	ضعف‌های پدیدارشناسی
۲۲۷	اعتبار و ارزشیابی
۲۲۷	کاربردهای نادرست پژوهش پدیدارشناسی
۲۳۱	نگارش
۲۳۳	برای مطالعه‌ی بیشتر
۲۳۴	منابع فصل
۲۳۹	فصل ششم: روایتگری
۲۳۹	مقدمه
۲۴۱	روایت چیست؟
۲۴۳	ویژگی‌های انواع روایت
۲۴۵	پژوهش روایتی در علوم اجتماعی
۲۴۶	کاربردهای تحلیل روایت
۲۴۷	دلایل رواج پژوهش‌های روایتی
۲۴۸	بنیان‌های نظری روایتگری
۲۵۲	روایت‌شناسی در سنت‌های علمی مختلف
۲۵۳	اعتبار در روایتگری
۲۵۳	رابطه‌ی روایت و داستان
۲۵۵	استراتژی‌های تحلیل روایت

۲۵۷	خلاصه کردن یک داستان (روش وان دایک)
۲۵۷	استراتژی های تحلیلی در رویکرد پست مدرن
۲۶۱	مصاحبه های روایتی
۲۶۴	مشکلات و انتقادات وارد شده به پژوهش روایتی
۲۶۵	نکات مهم فصل
۲۶۶	برای مطالعه ی بیش تر
۲۶۶	منابع فصل
۲۶۹	فصل هفتم: اتوبیوگرافی
۲۶۹	مقدمه
۲۷۱	تاریخچه ی اتوبیوگرافی در ایران
۲۷۳	پشتوانه های نظری اتوبیوگرافی
۲۷۴	ویژگی ها و امتیازات روایت های اتوبیوگرافیک
۲۷۵	استراتژی های تحلیلی روایت زندگی
۲۸۵	نقدهای درباره ی اتوبیوگرافی
۲۸۶	نکات مهم فصل
۲۸۶	برای مطالعه ی بیش تر
۲۸۷	منابع فصل
۲۸۹	فصل هشتم: مردم نگاری
۲۸۹	مقدمه
۲۹۱	ویژگی های مردم نگاری
۲۹۲	کار میدانی
۲۹۶	ابزارهای تحلیلی مردم نگاری کلاسیک
۳۰۰	تحلیل فلمرو
۳۰۲	تحلیل چارچوب
۳۰۵	تحلیل شبکه ی اجتماعی
۳۰۸	تحلیل واقعه
۳۰۹	مدل سازی تصمیم
۳۱۱	محدودیت ها و انتقادات وارد بر مردم نگاری کلاسیک
۳۱۲	مردم نگاری انتقادی
۳۱۳	توصیه هایی برای طراحی مردم نگاری انتقادی
۳۱۵	خود مردم نگاری
۳۱۹	خود مردم نگاری در برابر اتوبیوگرافی
۳۱۹	گونه های رایج خود مردم نگاری
۳۲۲	استراتژی های تحلیلی
۳۲۲	معیارهای ارزیابی خود مردم نگاری
۳۲۳	برخی انتقادات به خود مردم نگاری ها

۳۲۴	مردم‌نگاری مجازی
۳۲۶	ویژگی‌های مردم‌نگاری مجازی
۳۲۶	عرصه‌های موضوعی و کاربردهای مردم‌نگاری مجازی
۳۳۰	چالش‌های انجام مردم‌نگاری مجازی
۳۳۲	بازاندیشی در مردم‌نگاری مجازی
۳۳۳	مصاحبه‌ی مجازی
۳۳۵	نکات مهم فصل
۳۳۶	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۳۳۷	منابع فصل
۳۴۱	فصل نهم: نگارش و ارزیابی پژوهش کیفی
۳۴۱	مقدمه
۳۴۳	تفاوت نوشتار کمی با کیفی
۳۴۴	سبک نگارش پژوهش کیفی
۳۴۹	نکات تأمل‌برانگیز در نگارش متن
۳۵۴	استراتژی‌های ارائه‌ی یافته‌ها
۳۵۸	شیوه‌های پیش‌اندازات در پژوهش کیفی
۳۶۳	ترکیب سطوح مختلف نگارش در پژوهش کیفی
۳۶۴	توصیه‌هایی برای نگارش بهتر
۳۶۸	اعتبار در پژوهش کیفی
۳۷۰	راه‌های افزایش اعتبار
۳۷۱	پایایی یا اتکاپذیری؟
۳۷۲	چارچوب‌ها و معیارهای ارزیابی
۳۷۴	نکات مهم فصل
۳۷۵	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۳۷۵	منابع فصل

مقدمه

منطق و سهم انداز پژوهش کیفی

روش‌های کیفی طی دهه ۱۹۷۰، اخیر مشروعت فزاینده‌ای یافته و استقبال و توجه بیش‌تری را در محافل آکادمیک ایران به خود جلب کرده است. اکنون در دوره‌های دانشگاهی واحدهایی درسی برای آموزش این دسته از روش‌ها پیش‌بینی شده است. هم‌چنین، متون ترجمه‌ای یا تألیفی زیادی درباره‌ی این موضوع چاپ شده است و درگاه‌ها و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت زیادی نیز در مراکز علمی و پژوهشی برای آشنایی علاقه‌مندان با روش‌های (تکنیک‌های) پژوهش کیفی یا نرم‌افزارهای پردازش داده‌های کیفی برگزار می‌شود. در حال حاضر نسبت سالیان گذشته سهم بیش‌تری از مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، به‌خصوص در حوزه‌های بین‌رشته‌ای همچون مطالعات فرهنگی و مطالعات زنان، متکی بر کاربرد این دسته روش‌هاست. حتی در گزارش‌های پژوهشی سفارش داده‌شده‌ی مراکز و سازمان‌های رسمی نیز نمونه‌های بیش‌تری از به‌کارگیری این روش‌ها به چشم می‌خورد. با توجه به تصویر فشرده‌ای که ارائه شد، اعراق نسبتاً گسترده‌ای به آغاز چرخش کیفی و تفسیری در روش‌شناسی علوم اجتماعی و انسانی در ایران داشته‌ایم.

دلایل، زمینه‌ها و روندهای متنوعی توضیح‌دهنده‌ی استقبال بیش‌تر و جایگاه ارتقاء یافته‌ی پژوهش کیفی در ایران است که از جمله باید به این موارد اشاره کرد: تأثیرپذیری از جریانات فلسفی اندیشه در غرب؛ ظهور عادت‌واره‌ها و مدهای جدید در میدان‌های آکادمیک؛ توسعه و انباشت فزاینده‌ی علوم اجتماعی و انسانی در ایران، و توسعه‌ی فرهنگ شهری و سبک‌های زندگی ملازم با آن؛ رشد عادات و فرهنگ مصرفی در ایران، به‌ویژه از سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۳۷۰؛ تغییر فرهنگی در مسیر فردی‌شدن و اهمیت یافتن روزافزون عاملیت، استقلال و انتخاب فردی؛ رشد و فراگیر شدن استفاده از رسانه‌های نو و شبکه‌های اجتماعی؛ ظهور جنبش‌های نوظهور (حمایت از کودکان، محیط‌زیست، زنان و مانند آن) و توسعه‌ی دایاسپورای ایرانی و افزایش ارتباطات فرهنگی ایرانیان با مرزهای فراملی. زمینه‌های فوق در مجموع استعداد، شرایط و انگیزش بیش‌تری را برای

فاصله گرفتن از نسخه‌های روش‌شناختی فراگیر و استانداردتری فراهم می‌سازد که بر وحدت علمی روش‌شناختی تأکید می‌کند، و به تکرار روش‌شناختی دامن می‌زند. آنچه مطرح شد هم‌چنین بیان‌کننده اهمیت تحولات موسوم به پست‌مدرنیسم در رواج و جایگاه اعتلایافته پژوهش کیفی است. این سخن به معنای آن نیست که روش‌شناسی کیفی پروژه‌ی پست‌مدرن است، بلکه به منزله‌ی همراهی و مدد‌رسانی متقابل فضا و فرهنگ و به قول لیوتار «شرایط پست‌مدرن» بر رشد معرفت‌شناسی و روش‌شناسی کیفی است. تأثیر‌پذیری از فضای پست‌مدرن در ایران بیش از آن‌که متأثر از ترتیبات نهادین و پویایی‌های درون اجتماع علمی و آکادمیک علوم اجتماعی ایران باشد، واکنشی به متن و فرایند جهان تحولات این علوم است. اندیشه‌های پست‌مدرن در ایران، که به‌ویژه با ترجمه‌ی آثار فلسفی اندیشمندان اروپای قاره‌ای در سال‌های پایانی دهه‌ی شصت شمسی همراه بود، به تدریج فضای ذهنی مناسب حوزه‌ی روشنفکری عمومی بیرون از دانشگاه و با کمی فاصله داخل دانشگاه برای طرح سؤالات جدید یافته به‌سوی معنا و کیفیت تجربه و تشکیک در معرفت‌شناسی‌های خطی و استاندارد کمی رایج در ایران ایجاد کرد. پرسش‌ها و چشم‌اندازهای انتقادی در سال‌های میانی و پایانی این دهه، که در نشراتی چون «پیمان فرهنگی»، «آدینه»، «کلک» و «ارغنون» به چاپ می‌رسید یا با ترجمه انعکاس می‌یافت، حساسیت بی‌نظیری و روش‌شناختی متفاوتی را رقم می‌زد.^۱

با این حال، این چرخش در ایران روش‌ها، شرایط، منطق، زمینه‌ها و دستاوردهای متفاوتی را در قیاس با کشورهای دیگر (به‌ویژه کشورهای غربی) داشته است. برای نمونه، در حالی که در غرب از رونق و احیای روش‌های کیفی در سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم با عنوان «رنسانس» یا «بازگشت دوم» روش‌های کیفی یاد می‌شود،^۲ این رخداد با تأخیری دهه‌ای (حداقل در میدان‌های دانشگاهی) در سال‌های آغازین دهه‌ی هشتاد بیش‌تر آشکار شد. مهم‌ترین تأثیر، خاستگاه و زمینه‌ی تاریخی و شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوتی است که احیای مجدد روش کیفی در غرب و اقبال سریع و اولیه به آن را در ایران رقم زد. ریشه‌های تاریخی روش کیفی در غرب با سنت تجربی اتنوگرافی و مشاهدات میدانی پیوند زیادی دارد. علاوه بر این، احیای این دسته روش‌ها در غرب به درجاتی برآمده از سرخوردگی و ناکارایی روش‌های تبیین‌محور و استانداردکننده‌ی کمی بود که قادر به تفسیر پیچیدگی‌های زندگی در متن (فرا) مدرن نبودند. روش‌های کمی برای چند دهه بر حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع غربی حک شده بود و همسو با منطق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها بود. قطعیت، عقلانیت و جادوزدایی از دنیای جادویی شده وعده و انتظاری بود که روش‌های کمی سرانجام در تأمین آن با نقصان‌های جدی مواجه شد. طرح ایده‌هایی مانند «روش‌شناسی‌های جایگزین»، «روش‌های تخیلی» و حتی تشویق به «ضدروش» که آثارش روش را راهی مطمئن‌تر و

۱. برای شرحی از تحولات مجلات عمومی در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی نک. فراستخواه، ۱۳۹۸.

۲. نک. Goba, 2005.

بهرتر برای معرفت‌شناسی و فلسفه‌ی علمی می‌داند (Feyraband, 1975: 17) واکنشی به اتکای افراطی به تجربه‌گرایی و جست‌وجوگری برای معرفت عینی و جهانی در پژوهش بود.

سوالی که اینک مطرح شده این است که چه چیزی مرز متمایز روش‌های موسوم به کیفی است و چرخش یا احیای این دسته‌روشن‌ها چه الزاماتی را برای طراحی و انتخاب روش و تفسیر جهان اجتماعی پیش روی ما می‌گذارد؟ اقتضای توجه به کیفیت چیست و این شیوه‌ی نگرش چه امتیازاتی دارد؟

پژوهش کیفی بیان‌کننده‌ی طیف متنوعی از تکنیک‌ها، روش‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها، شیوه‌های تفسیری، بنیان‌های معرفت‌شناختی، مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزشی، اخلاقی و سیاسی است. پژوهش کیفی به لحاظ رشته‌ای خاستگاه‌های متنوعی دارد؛ مردم‌شناسی، فلسفه، تاریخ، نقد ادب، جامعه‌شناسی و ارتباطات تنها بخشی از سنت‌های رشته‌ای است که در بسط مفهومی، نظری و توسعه‌ی روش‌هایی چون اتنوگرافی، تحلیل روایت، نظریه‌ی مبنایی، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی و... در آن مؤثر بوده است. این تنوع به نظر ماهیتی بین‌رشته‌ای به روش کیفی می‌بخشد و آن را از انحصار رشته‌ای خارج می‌کند.

شرح تفاوت‌های دنیای کیفی و کمی در این مجال نمی‌گنجد و در برخی متون و آثار به تفصیل در باره‌ی آن‌ها سخن گفته شده است. پس از آن که به اختصار به برخی از این وجوه تمایز اشاره کنیم، یادآوری می‌کنیم که این دوتایی ساری کمی و کیفی اساساً نقش توضیحی دارد و بازنمایاننده‌ی تاریخ تحولات دور روش و نقش هر یک در فهم واقعیت، نقد و تحلیل آن دیگری است. بدیهی است که همراه کردن آن‌ها شیوه‌ای کارآمد برای ارتقای قدرت تفسیر و توضیح پدیده‌هاست. از سوی دیگر، برخی دیدگاه‌های موجود به خاستگاه معرفت‌شناختی مشترک هر دو دیدگاه اعتقاد دارند و اگرچه به لحاظ تاریخی تبدیل کیفیت به کمیت را وجه مشخصه‌ی قرن بیستم می‌دانند و بازگشت به موضع کیفی را بیش‌تر به مواضع پست‌مدرن نسبت می‌دهند، دوگانه‌ی کمیت و کیفیت تاریخی به مراتب سابقه‌ی طولانی‌تری در فلسفه و تاریخ علم دارد.

این دوگانه‌سازی در ایران نیز مبنایی برای فهم، توضیح، قضاوت و ارزش‌گذاری نسبت به روش‌شناسی‌های کمی و کیفی بوده است. در تاریخ علوم اجتماعی ایران، عاقلی‌رغم رواج صورت‌هایی از توجه و تحلیل مسائل اجتماعی در قالب داستان، نقد ادبی یا گزارش‌های توصیفی از میدان، استفاده‌ی نظام‌مند از روش‌ها و تکنیک‌های مربوط به آن با روش‌های کمی آغاز می‌شود. با تفکیک اجتماعی و شکل‌گیری نهادهای پژوهشی، استفاده از آمار و ابزارهای نظام‌مند جمع‌آوری و تحلیل معرف پژوهش دقیق علمی و عینی می‌شود. به همان‌سان، مقاومت در برابر انجام و اشاعه‌ی روش‌های کیفی در دانشگاه‌ها نیز، که تا پیش از رونق نسبی روش‌های کیفی در سال‌های دهه‌ی هشتاد برقرار بود، ناشی از دوگانه‌انگاری رادیکال از این دو سنت و تلقی از پژوهش کیفی (عموماً استدلال‌نشده و قالبی) به مثابه غیرعلمی، غیرجامع، ثانویه، محدود و کوچک‌مقیاس، غیر

اعتماد، پست مدرن، فانتزی و مانند آن بوده است. مواضع قطبی بدون تردید به جای شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ارزشمند هر سنت و انتخاب طراحی‌های مناسب با سؤالات و مسائل پژوهشی، سطحی‌نگری و انتخاب ناکارآمد طراحی‌ها را به دنبال خواهد داشت. شناخت صحیح از قابلیت‌های هر دو رویکرد نقش بسزایی در به‌کارگیری صحیح و بدون پیش‌داوری هر یک خواهد داشت. فلسفه و منطق پژوهش، فارغ از تقسیم‌بندی‌های توضیحی آن به کمی و کیفی در مسئله‌یابی، جست‌وجوی سؤال (فرضیه)، در انجام نظام‌مند تحلیل، توجه به تغییرپذیری‌ها و تنوع تجارب، وضوح، دقت و بازاندیشی در انجام کار میدانی و ویژگی‌های مشابه اشتراکات زیادی دارد و کمیت و کیفیت را، اساً اجزای درهم‌تنیده‌ای در فهم و شرح واقعیت اجتماعی به شمار می‌آید.

دوباره، ویژگی‌های اصلی رویکرد کیفی می‌توان محورهایی را به‌اختصار به بحث گذاشت. در سنت کیفی، ایزه (۱۰-منوع و محتوای) شناخت بر قالب و روش شناخت تفوق دارد. در این معنا نگاه درونی‌بی‌واسطه، به ایزه شناخت و تلاش برای فهم جهان حسی و تجربی آن، نسبت به دنبال کردن اصول و رویه‌های استاندارد و بیرونی اولویت دارد. ایزه‌های پژوهش در سنت کیفی سوژه‌هایی نیست‌مند و خودتفسیرگر تلقی می‌شوند که در پس احساسات، ارزش‌ها و کنش‌های آن‌ها منطقی ویزه و خاص نهفته است و فارغ از میل به «سازگار» و توده‌ای کردن باید ریزبینانه فهم و تفسیر شوند. این شیوه‌ی نگاه از سوی دیگر بیان‌کننده‌ی ایزت ابعاد ذهنی و درونی سوژه‌ها و ضرورت نزدیک‌شدن به این دنیای ذهنی است. برخلاف سنت علمی، که آمادگی و امکان چندانی برای توجه به ابعاد ذهنی و تفسیر کنش باقی نمی‌گذارند، معنا اساس علوه اجتماعی کیفی است. اولویت توصیف و فهم جهان ذهنی و درونی در جامعه‌شناسی پیشینه‌ای طراحی دارد و آرای وبر و پیش از او دیلتای مروج این دیدگاه به شمار می‌آیند.

ویژگی دیگر سنت کیفی در کل‌نگری روش‌شناختی و توجه به میان طبیعی و واقعی است که کنش در آن رخ می‌دهد. به جای اولویت‌بخشیدن به مکان، زمان، شرایط استانداردشده‌ای که برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌ها در سنت کمی مورد انتظار است، اولویت در فضای کیفی نزدیک کردن میدان پژوهش به ریتم واقعی زندگی روزمره و ملاحظه‌ی زمینه‌ها و لایه‌های متنوع و پیچیده‌ای است که بر کنش‌ها تأثیرگذارند. توجه به متن واقعی، لاجرم، فاصله‌گرفتن از علیت‌یابی بر اساس نگاه خطی را به دنبال دارد.

پژوهش کیفی، به‌گونه‌ای درهم‌تنیده، هم به متن، هم به خود سوژه‌ها و هم به خود محقق توجه دارد. محقق بخشی از میدان تحقیق است و به درجاتی بر آن تأثیر می‌گذارد یا از آن تأثیر می‌پذیرد. نقش حداکثری محقق ایجاب می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی و انسانی خود را تقویت و به صورت عمیق در آن بازاندیشی کند. اهمیت متن در سنت کمی، به‌واسطه‌ی اصرار محقق بر نگاه بیرونی و عینی و بی‌طرفانه به سوژه‌ها، محدود و گاه غایب است و اگرچه بازاندیشی رقیق در میدان پژوهش تا

اندازه‌ای امکان توجه به متن تأثیرگذار بر واکنش مخاطبان پژوهش را فراهم می‌سازد، این بازاندیشی حداقلی است. از سوی دیگر، فضای کیفی عموماً تحقیق را مشارکتی می‌بیند و از این رو میل به دریافت یک‌سویه‌ی اطلاعات از روایان مدنظر نیست. برای نمونه، در گونه‌هایی از پژوهش مشارکتی نمونه‌های پژوهش در تمام مراحل پژوهش از طراحی و تدوین سؤالات، جمع‌آوری اطلاعات و فعالیت میدانی گرفته تا تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات و حتی اشاعه و ترویج آن دخیل است. سوره‌ها بخشی از فرایند پژوهش به شمار می‌آیند و درگیرکردن و فعال‌سازی آن‌ها بخشی از سیاست پژوهش است. این سیاست در فضای کمی در مسیر کنترل قرار دارد. کنترل و استانداردکردن راهی برای احراز عدم سوگیری و علی‌بودن تحقیق به شمار می‌آید. نمونه‌ها به عنوان ایزه‌های تحقیق شناخته و تصور می‌شوند که کیفیت اطلاعات به دست آمده از آن‌ها منوط به طراحی دقیق ابزارها و شیوه‌های مواجهه با آن‌هاست. اولویت سنت کیفی فهم و تفسیر است. چپستی، چگونگی و ذات تجارب و معنا و دلالت آن‌ها برای اطلاع‌دهندگان تحقیق راایت دارد. این ویژگی الزاماً طلب می‌کند تا با سؤالات متفاوتی به سراغ پژوهش کیفی. و سؤالات رویکرد بدیل کمی عموماً ناظر به شناسایی روابط و چرایی حدوث وقایع و پیامدها و آثار آن است و اگرچه توصیف و شناسایی الگوها نیز از آن‌ها حاصل می‌شود، در وجه غالب تبیین و پیش‌بینی از آن به دست می‌آید.

سنت کیفی به واسطه‌ی فاصله‌گیری از راه‌های کلان و اختیارکردن تنوع چشم‌اندازهای نظری، الزاماً تکثرگرایی روش‌شناختی را طلب می‌کند. تکثرگرایی در نمونه‌ها، داده‌ها، روش و رویکردهای نظری راهی برای پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های میدانی و سوره‌های شناخت و اعتباریابی آن‌هاست. سنت کمی وحدت روش‌شناختی را دنبال می‌کند. تائیدی بر این است که وحدت روش‌شناختی انسجام‌بخش است. نظریه‌ی واحد از چارچوب‌ها و دسته‌بندی‌های تحلیلی واحدی استخراج و مفاهیم و مقولات واحدی از آن مشتق می‌شود.

میدان و مقیاس پژوهش کیفی انتخاب نمونه‌های کوچک را انحصاری کند. نگرش کل‌نگر و معناگرا و اساساً بر برش‌های محدودتری از میدان متمرکز است و احضار نمونه‌ها را با منطق تعمیم‌پذیری متفاوتی طلب می‌کند. در مقابل استانداردسازی و جست‌وجوی تبیین، لازم‌البرم انتخاب نمونه‌های بزرگ‌تری را به دنبال دارد و سازگار با تعمیم به شیوه‌ی آماری است.

نحوه‌ی بازنمایی (نمایش) متفاوت داده‌ها تفاوت دیگر است. در سنت کیفی سویه‌هایی از کیفیت و ویژگی‌های یک پدیده متنوع و بررسی و کاوش می‌شود. بازنمایی ارائه‌شده در قالب مفاهیم، مقولات، روایت‌ها و نشانه‌هاست و تفسیر و تحلیل آن‌ها هم ناظر به تنوع، ابعاد و محتوای آن‌هاست. در مقابل، زبان و ابزار بازنمایی کمی اعداد است. الگوهای به دست آمده از توزیع، ارتباط و تغییرپذیری‌های آماری منطق فهم و تفسیر ویژگی‌های (موضوعات) مورد بررسی به شمار می‌رود. انتخاب شیوه‌ی بازنمایی به دنبال خود زبان بازنمایی را نیز متفاوت خواهد ساخت و در حالی که

زبان بازنمایی کیفی تنوع بیش‌تری دارد و بسته به سؤالات و جهت‌گیری‌های نظری شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد، زبان بازنمایی کمی قالبی رسمی‌تر و عینی‌گرایانه می‌یابد.

سبک کیفی در پژوهش بازانديشي حداکثري را طلب می‌کند. این سنخ از بازانديشي پژوهشگر را درگیر ارزیابی و تفسیر مواضع و خاستگاه‌های هویتی فردی، مواضع نظری و ارزیابی جزئی و همه‌جانبه در فرایند پژوهش و برقراری ارتباط میدانی می‌کند. ارتباط نزدیک، صمیمی و اغلب طولانی‌تر با میدان و راویان، بازانديشي را در این سنت امری ضروری برای تضمین کیفیت پژوهش و کیفیت یافته‌های آن می‌کند. در مقابل، رویکرد کمی تلاش در اتخاذ نگاه بی‌طرفانه به نمونه‌ها و پرهیز از زبان عاطفی دارد و به دنبال استاندارد کردن مواجهه با مخاطبان است.

پژوهش کیفی سازگاری زیادی با معرفت‌شناسی زبان‌شناختی نسبی‌گرا و برساخت‌گرایانه دارد. اهمیت چرخش زبانی و چرخش زبان‌شناختی در توسعه‌ی این دسته روش‌ها، تلقی از مقولات و پدیده‌های اجتماعی را تابع متن اجتماعی و گفتمانی و وضعیتی آن‌ها می‌سازد و انعطاف و نسبی‌گرایی در تفسیر غالب می‌کند. در سویی دیگر، اعتقاد به امکان‌پذیر بودن دانش قابل اطمینان و معتبر و عینی، معرفت‌شناسی برساخت‌گرای دور می‌کند و وجهی مطلق و فراگیر به آن می‌بخشد. بدیهی است که تفاوتی فاحش شده به هیچ روی بیان‌کننده‌ی امتیازات ذاتی هر یک از دو رویکرد کمی و کیفی بر یکدیگر ناهم‌سازی آن‌ها. پرهیز از استفاده از ظرفیت‌های متقابل آن‌ها نیست. سنت موسوم به روش‌های آمیخته بر باری موارد می‌تواند نسخه‌ای موفق برای طراحی‌های پژوهشی باشد و امکان هم‌زمان رخنه به معنا و تجارب و نیز متن و بستر شکل‌گیری آن‌ها را فراهم سازد. هر تفسیر کیفی لاجرم نشانه‌هایی از دامنه و سطح پدیده‌های پیرامون را در خود دارد و به همان نسبت داده‌های آماری نیز مشحون از ایده‌هایی درباره‌ی اصول‌ری‌اری ارزش‌ها و قضاوت‌های ماست.

متن‌مند کردن پژوهش کیفی در ایران

سؤالی که اینک مطرح می‌شود درباره‌ی تناسب متن و موقعیت محلی جامعه‌ی ایرانی با پژوهش کیفی است. اگر بپذیریم که پژوهش نیز به مثابه فرایندی اجتماعی و برساخته انعکاس‌دهنده‌ی شرایط متن محلی جامعه است و هم‌زمان بر آن تأثیرگذار نیز هست، در این صورت تحلیل زمینه‌های تأثیرگذار در این متن و دلالت آن‌ها بر نگرش و نیز کاربرد پژوهش کیفی بسیار مهم خواهد بود. روشن است که متن محلی خود هم‌چنان با متن جهانی و تقسیم کار عام و پویایی‌های آن در هم تنیده است و چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم بخش زیادی از تحولات و فرایندهای روش‌شناسی در ایران واکنش به تحولات کلان جهانی بوده است. با این همه، متن و گفتمان جهانی علم و روش همیشه از دریچه‌ی فضا و شرایط محلی عبور و متناسب با آن عمل می‌کند. نیاز و اقتضانات توجه به پژوهش کیفی در ایران امروز را از چند منظر می‌توان نگریست که در ادامه به اختصار به آن می‌پردازم.